تخته سفید شماره ۶۱

روایت یکی از نویسندگان سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش

سند اجرائی نمی‌شود، سندنویسی را کنار بگذاریم

عکس: بهزاد جان‌نژرگی

اعظم پویان: سند «تحول بنیادین آموزش‌وپرورش» از آن دست اسناد بالادستی است که با وجود مدینه فاضله‌ای که برای تعلیم و تربیت نسل آینده این سرزمین ترسیم کرده، نتوانسته به رؤیاهایش جامه عمل بپوشاند. سال‌های زیادی از زمان نوشتن سند چشم‌انداز ۲۰ سال که قرار بود زمینه توسعه ایران در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم کند، می‌گذرد. در بلاتکلیفی سند چشم‌انداز همین بس که اسناد دیگری که در حوزه‌های مختلف پیرو آن چشم‌انداز نوشته شد، همچنان در سردرگمی چگونگی اجرا در نیمه راه مانده‌اند. اقبال قاسمی‌پویا، پژوهشگر حوزه آموزش‌وپرورش که در جریان نوشتن سند تحول بنیادین حضوری فعال داشته، در گفت‌وگو با «شرق» از چرایی اجرانشدن سند «تحول بنیادین آموزش‌وپرورش» می‌گوید.

ماجرای نوشتن سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش از کجا شروع شد؟

من هم خودم در سند مشارکت داشته‌ام و هم به نحوی منتقد سند هستم. من در پژوهشگاه تعلیم و تربیت بودم و آقای عبدالحسن نفیسی که کتاب روش‌شناسی تدوین سند را نوشته‌اند، به من گفتند علاقه‌مند هستید در نوشتن سند (که آن زمان سند ملی بود و با سند تحول تفاوت ماهوی دارد) همکاری کنید. قرار بود بر مبنای سند چشم‌انداز ۲۰ساله که مجمع تشخیص مصلحت آن را تنظیم کرده بود، ما هم به اعتبار آن و به عنوان بخشی از کشور سند چشم‌انداز برای آموزش‌وپرورش بنویسیم و این دو با هم یک ارتباط ارگانیک دارند. انتقاداتی که به آن سند چشم‌انداز وارد است، به این سند هم وارد است. اینکه آن سند اجرا شده یا نه و تا چه اندازه اجرا شده و هشت سال دیگر سند چشم‌انداز فرصت دارد به نتایج نهایی برسد. تدوین‌کنندگان این دو سند بر این هدف تأکید داشتند که ما در پایان ۱۴۰۴ به نتایجی برسیم و الان که در این وضعیت هستیم، از نظر کیفیت آموزش رتبه ۱۰۳ را داریم البته منبع معتبر آن را ندارم ولی به‌هرحال این عدد هرچه باشد ما تا اول‌بودن فاصله زیادی داریم. بنابراین این سند آغاز و ضرورت و اهدافش این بود که همگام با سند چشم‌انداز جلو برود.

تفاوت سند ملی که شما و دوستانتان در حوزه آموزش‌وپرورش شروع به نوشتن آن کردید، با سند تحول کنونی چیست؟

این دو سند خیلی با هم متفاوت است. سند ملی آنچنان که از اسمش پیداست، قرار بود کل کشور در آن شرکت کنند و از این باب ملی بود و نه اینکه آموزش‌وپرورش ملی داشته باشیم. آموزش‌وپرورش ملی یعنی تمام نهادهای ذی‌ربط و ذی‌صلاح باید در این نحله جدید فکری شرکت کنند و به این دلیل بود که برای اولین بار در تاریخ برنامه‌نویسی کشور ما یک کمیته دیگر تشکیل شد با نام کمیته عوامل محیطی مؤثر در آموزش‌وپرورش و من عوامل فرهنگی و تاریخی را نوشتم. اولین بار سندنویسان گفتند مسائل ما فقط آموزش‌وپرورش نیست بلکه مسائل ما فراتر از آموزش‌وپرورش است. درواقع آموزش‌وپرورش با اجتماع مشکل دارد، با اقتصاد مشکل دارد و اگر نگاه اقتصادی آموزش‌وپرورش حل نشود، این نهاد مشکلات خودش را خواهد داشت و این برای ایران جدید بود. همه اینها در سند ملی لحاظ شد. سال ۸۸ و بعد از اینکه پیش‌نویس سند نوشته شد، دو سال طول کشید تا این سند تبدیل به سند تحول شود. سال ۱۳۹۰ آقای حاجی‌بابایی سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش را در حالی معرفی کرد که پیش‌نویسی که برای سند تحول نوشته شد و آنچه برای سند ملی نوشته شده بود، زمین تا آسمان با هم تفاوت داشت. اینجا تصور این بود که به بحث‌های فرابخشی برسند؛ یعنی آنچه بر آموزش‌وپرورش اثر می‌گذارد مورد توجه قرار گیرد اما در سند تحول فقط بخشی نگاه شده است.

آقای حاجی‌بابایی معتقد است سند ملی را بررسی کرده‌اند و از آن سند تحول بیرون آمد. غیر از این است؟

ظاهرا در حرف، سند تحول از سند ملی درآمده اما آقای حاج‌بابایی این سند را مصادره به مطلوب کردند یعنی آنچه می‌خواستند، از آن درآوردند. اینکه مدتی قبل هم در مناظره‌ای در تلویزیون کارشناسان معتقد بودند سند تحول ایدئولوژیک یا حاکمیتی است، دقیقا ناظر بر این تصور بود که این را ایدئولوژیک کرده‌اند. سند تحول فقط ۳۰ درصد از سند ملی است و اتفاقا آن ۷۰درصدی که در نظر نگرفته‌اند مهم است. مجری سند ملی آموزش‌وپرورش آقای مهرمحمدی است. ایشان وقتی سند ملی به سند تحول تبدیل شد، از بزرگ‌ترین منتقدانش بودند. بزرگ‌ترین مشکل ما در آموزش‌وپرورش روزمرگی و سلیقه‌ای‌عمل‌کردن و مقطعی‌بودن است. هرکسی بر اساس بینش خودش تغییری را ایجاد کرده است. سند ملی می‌خواست به تشتت آرا و چندپارگی‌ها پاسخ دهد و به نوعی فصل‌الخطاب باشد تا هرکسی هرکاری دلش خواست انجام ندهد ولی در اواسط آماده‌شدن سند، وزیر تغییر کرد و سند هم تغییر کرد و دقیقا در همین جا دلیل تناقض سند مشخص می‌شود. روح سند ملی پژوهش‌مدار بود. یعنی بر مبنای فکر یک شخص پیش نمی‌رفت و یافته به من می‌گفت چه کنم. در سند ملی این دید وجود داشت که این سند اول و آخر نیست. فرایندی، به این سند نگاه شده است. سندی است که آغاز شده و چشم‌اندازمان این است که به یک تحول اجتماعی و آموزشی برسیم، اما در این راه پیوسته ما باید برگردیم و خودمان را اصلاح کنیم. اما آقای حاجی‌بابایی در منظریه در جلسه‌ای که عده‌ای از سندنویسان بودند و عده‌ای که در تغییردادن سند به این گروه پیوسته بودند، محتوای صحبت‌شان این بود که این سند فصل‌الخطاب همه کارهاست و دیگر کسی حرفی نزند و برویم اجرا کنیم. با واژه‌هایی که به کار بردند، یک روح قدسی به سند تحول دادند و با مقدمه‌ای که اولش نوشتند این سند را یک چیز مقدس معرفی کردند. به نظر من این اشتباه است زیرا هیچ نوشته انسانی مقدس نیست و قداست برای خداوند است و آنچه انسان ساخته قدسی نبوده و نیست. با واژه‌های غیرقابل سنجش چگونه بگوییم این با معیار اسلامی قابل سنجش است. ما هزاران برداشت داریم. نه اکنون از قدیم‌الایام همین بوده برای مثال اگر تفکر اسلامی را در سه قرن اول بررسی کنیم، می‌بینیم یک تفکر معتزله بود و یک تفکر اشعری. معتزله‌ها، عقل‌گرایان خردورز و معتقد بودند دین یک امر عقلی است و شما باید استدلال و چون‌وچرا بکنید و عقل را به‌کار ببرید. اگر عقل پذیرفت، بپذیرید در مقابل اشعری‌مذهبان می‌گفتند قرآن در درجه اول در آن بحثی نیست و بحث دینی غیرقابل جدل و بحث است و مخالف معتزله بودند. امروز هم ما از این افراد داریم. بنابراین ما از اول فرهنگ اسلامی به بعدمان افکار حداقل دو گونه عقل‌گرا و ثبات‌گرا بوده و چیز جدیدی نیست و الان هم همین است. کسانی که سند ملی را نوشته‌اند عقل‌گراها هستند و تحول‌گرایان که سند تحول را نوشته‌اند، ثبات‌گراها هستند. در واقع الان که به محتوا رسیدیم، غیرقابل‌سنجش است و کلی‌گویی دارد. این سند با این شعار به خانواده‌ها و دانش‌آموزان و آموزش‌وپرورش کشور همچنان که پاسخی نداده است بازهم نمی‌دهد.

هدف سند ملی که بر مبنای سند چشم‌انداز نوشته شد، چه بود؟

اول، جلوگیری از موازی‌کاری. هر وزیر و دولتی می‌آمد برای خودش یک طرح نظام آموزش‌وپرورش می‌آورد. از ۱۳۵۸ به بعد ما انواع تغییرات را در نظام آموزش‌وپرورش داریم. طرح کاروداتش، طرح نظام متوسطه و... . دوم، جلوگیری از برخورد سلیقه‌ای مدیران. درواقع هر مدیر و دولتی خاص جناح خودش یا ویژگی‌های شخصیتی خودش تصمیم بگیرد. سوم، پاسخ‌گویی به نیازهای ملی و جهانی. وقتی ادعا داریم می‌خواهیم با جهان همراه شویم، باید دید جهانی داشته باشیم نمی‌شود که جهان راه خودش را برود و ما در سنت زندگی کنیم و بگوییم با مدرنیته همراه هستیم؛ درواقع پاسخ‌گویی به بخش آموزشی چشم‌انداز ۲۰ساله. چشم‌انداز به بخش‌های مختلف نگاه کرده بود و خب یک نگاهش هم به آموزش‌وپرورش بود که باید مسیری را طی کند که ما را در ۱۴۰۴ به مقام اول برساند. وقتی می‌گوییم پایه توسعه، آموزش‌وپرورش است باید نقش اصلی هم همین بخش باشد. چهارم، تحول بنیادین در آموزش‌وپرورش ایجاد شود. باید تحول و بنیادی را هم معنی کنیم. در سند هم گفته شده یعنی تغییر اساسی. از رهبری تا یک دانشجوی معمولی کارشناسی همه مطرح کرده‌اند که آموزش‌وپرورش ما از انقلاب به بعد متحول نشده است. همه اقرار کرده‌اند نظام آموزش‌وپرورش ما نظام کهنه‌ای است. پنجم، همگام‌شدن با تغییرات اجتماعی. درواقع سندی آماده شود که هم به خواسته‌های قومی و ملی و داخلی و هم به دستاوردهای جهانی پاسخ دهد. امروز جهان نگاه دیگری به آموزش دارد. اکنون یونسکو تعریف دیگری از سواد دارد و معتقد است بچه‌های درس‌خوان موفق نمی‌شوند، بلکه بچه‌های اجتماعی موفق می‌شوند. در این سند خیلی این ابعاد دیده نمی‌شود؛ اینکه بچه با خانواده وارد اجتماع و کارآفرین شود و البته کتاب کارآفرینی هست، اما حال‌وهوای کلی آن نیست. ششم، بومی‌سازی تحول و بیگانه‌گریزی. به مسائل ملی مذهبی توجه داشته یعنی تلاش می‌شده با وضع اجتماعی خودمان هماهنگ باشد. درواقع علاوه بر اینکه پیشرفت‌های جهانی را در نظر می‌گیریم، خودمان هم از داشته‌هایمان استفاده کنیم و این در سند ملی در نظر گرفته شده بود. برای مثال، آزادی معلم، آزادی مدرسه و خانواده اما در اینجا این‌طور نیست، بلکه معلم کارگزار و دولت همه‌کاره است. آقای حاجی‌بابایی حتی در انتخابات اخیر هم که فکر می‌کردند وزیر می‌شوند، گفتند ما آموزش‌وپرورش را دولتی خواهیم کرد. درواقع منظورشان این است که همه افسار آموزش‌وپرورش در دست دولت باشد و این یعنی ایدئولوژیک.

کسانی که سند ملی را نوشته‌اند عقل‌گراها هستند و تحول‌گرایان که سند تحول را نوشته‌اند، ثبات‌گراها هستند. در واقع الان که به محتوا رسیدیم، غیرقابل‌سنجش است و کلی‌گویی دارد. این سند با این شعار به خانواده‌ها و دانش‌آموزان و آموزش‌وپرورش کشور همچنان که پاسخی نداده است بازهم نمی‌دهد

روشی که برای اجرائی‌کردن سند ملی در نظر گرفته شده بود، چگونه بود؟

متدولوژی که برای این اهداف بود، عبارت بود از پژوهش‌محوری و خرد جمعی و کار جمعی. به همین دلیل گستره وسیعی از آدم‌ها برای نوشتن سند ملی دور هم جمع شدند و حدود ۵۰۰ نفر از افراد در چندین کمیته تقسیم شده بودند و هرکدام کارهایی را انجام می‌دادند. پروپوزال تهیه و چارچوب نوشته می‌شد و بعد در کمیته‌ها مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت و بالاخره طرح تحقیق آماده می‌شد که این طرح تحقیق یکی، دو سال طول کشید و کل سند حدود شش سال طول کشید که چهار سال مربوط به تحقیق و آماده‌کردن پیش‌نویس سند ملی بود و دو سال هم تغییری بود که در زمان آقای حاجی‌بابایی انجام شد که البته ادیت‌کردن و قیچی‌کردن طرح اصلی بود. متدولوژی قابل توجه است. عده زیادی در آن شرکت داشتند و خرد جمعی در آن بوده و تلاش بر این بود که از آخرین اطلاعات ملی و جهانی استفاده و مسائل فراملی دیده شود. این گروه‌ها از برجسته‌ترین پژوهشگرهای ایران بودند. اما باید بگویم از روز اول این سند منتقد داشت. اصلا بدنه آموزش‌وپرورش سند ملی را از روز اول قبول نکرد.

چرا سند را قبول نداشتند؟ مگر کسانی که سند را می‌نوشتند، از بدنه آموزش‌وپرورش نبودند؟

خیر. فقط از بدنه آموزش‌وپرورش نبودند و دانشگاهیان هم بودند. این سند یک مدیر طرح داشت که آقای نویداد بودند و مجری داشت که آقای مهرمحمدی بودند. اول گروهی تشکیل دادند و از متفکران جامعه دعوت کردند که اکثرا از دانشگاهیان بودند. آموزش‌وپرورش هم بود ولی بخش دانشگاهی آن بیشتر بود. بعد برای اینکه مطالب در یک اتاق بسته شکل نگیرد، یک کمیته استانی تشکیل شد و مطالب به استان‌ها ارسال می‌شد تا نظرشان را بدهند. جمع بزرگی بود. الان که نقد هست آن زمان هم نقد وجود داشت و هیچ‌وقت این سند ملی روزگار خوشی نداشت. در سالن خوارزمی و در جلسه‌ای که دست‌اندرکاران سند حضور داشتند، جناب فانی به عنوان یک دانشگاهی مخالفت خودشان را با این سند اعلام کردند و گفتند این سند صد سال دیگر هم اجرائی نمی‌شود اما وقتی وزیر شدند، گفتند من با این سند وزارتخانه را اداره خواهم کرد!

خودشان در نوشتن سند ملی یا تحول حضور داشتند؟

خیر. در سند ملی که نبودند و در سند تحول هم کلا کار دست گروه حاجی‌بابایی افتاد و این طرفی‌ها را کلا کنار گذاشتند و یک تشکر خشک و خالی هم از ایشان نکردند. درواقع برخورد سیاسی بود. این یک حرکت سیاسی است زیرا وقتی دولت اصلاحات بود، این افراد بودند و وقتی دولت احمدی‌نژاد آمد، گروه دیگری آمدند و سند این شد. این دو دید الان مقابل هم‌اند اما منتقدانی هستند که به هر دو گروه انتقاد دارند.

مهم‌ترین نکات مثبت سند ملی که در حال نوشتن بود، چه بود؟

به نظر من سند ملی علاوه بر متدولوژیکی که داشت نکات مثبت خوب زیاد داشت که می‌شود به آن پرداخت. آقای نفیسی خودشان می‌گویند که این سند دارای ابتکارات روش‌شناسی است که صحبت کردیم. حین تحقیق ارزیابی و اعتباریابی می‌شد که یک اعتباریابی فرایندی بود. درواقع همین‌جور هرچه محققان می‌نوشتند، نمی‌پذیرفتند. مسئله دیگر امتیازات نیروی انسانی است. حدود ۵۰۰ نفر از برجستگان کشور در این طرح شرکت کردند. مسئله دیگر شیوه مدیریتی است که کاملا مشارکتی بود و اصلا هرمی نبود. در این حرکت مدیریتی لازم بود که این سند در ارتباط با بدنه آموزش‌وپرورش پیش رود و مدیران آنها نیز هم‌آواز شوند که نشد و این نکته منفی سند است. درواقع بسیاری از مدیران داخلی نه متوجه نوشتن چنین سندی بودند و نه بازی داده می‌شدند. نکته مثبت دیگر این بود که طرحی به این بزرگی در ایران نداشتیم. البته این طرح نتوانست دست‌اندرکاران دولتی بدنه را با خود پیوند بزند و این نکته منفی بود. نکات منفی هم داشت اما خود نویسندگان از جمله جناب نفیسی نقدگونه‌ای نوشتند و در موردش صحبت کردند و این از نکات مثبت سند ملی است که خود تدوین‌کننده نقد کرده است. نگاهی که در آموزش‌وپرورش بود، به نقل از آقای نفیسی می‌گویم، نگاه ساده‌اندیشانه و خوش‌بینانه‌ای بوده است. دست‌اندرکاران آموزش‌وپرورش، شامل مدیران و برنامه‌ریزان نگاه خوش‌بینانه‌ای دارند. فکر می‌کنند بچه مثل موم است و هرطور خواستی می‌توانی انعطافش بدهی! اما چنین نیست. انتظار سطح بالایی از آموزش‌وپرورش دارند و این افراد فکر می‌کنند همه چیز این مملکت را وزارت آموزش‌وپرورش باید درست کند. آن هم آموزش‌وپرورشی که ۹۸ درصد بودجه‌اش هزینه حقوق معلمان می‌شود که همگان گلایه دارند و زیر خط فقرند. این موانع اجرائی‌شدن سند است. اینجا مشکل آموزش‌وپرورش رسمی و غیررسمی داریم و سند این را قاطی کرده است. سند گفته برای پاسخ‌گویی به نیاز مردم درحالی‌که نیاز مردم این نیست. آنچه از تلویزیون بیرون می‌آید، رسمی است. خانواده‌ها تقاضای اجتماعی‌شان چیز دیگری است. نمی‌خواهد دانش‌آموز را به بهشت ببریم، به دانش‌آموز، معلم خوب بدهیم، کیفیت درسی خوب بدهیم، مهارت اجتماعی و مهارت زندگی‌کردن آموزش بدهیم. متأسفانه محتوای سند آن‌قدر کلی است که هرکسی می‌تواند چیزی از آن بچیند درحالی‌که موارد متناقض در سند تحول وجود دارد.

این سند می‌گوید ۱۴ سال گذشته، چرا هنوز در اجرا مشکل داریم؟

چون برای آن استلزامات در نظر گرفته نشده و فقط حرف زده شده است.

در سند ملی این استلزامات نوشته شده بود؟

در آن سند گفته بود باید فراهم شود و همه چیز فراملی در نظر گرفته شده بود. یعنی مجلس باید ورود می‌کرد و پول در اختیار آموزش‌وپرورش می‌گذاشت و باید نهادهای دیگر وارد می‌شدند که این اتفاق دیده نشد. در واقع مشکلات آموزش‌وپرورش مشکل خودش نیست بلکه باید دید در بیرون چه اتفاقی می‌افتد. وزارت کشور چه می‌کند. نیروی انتظامی چه می‌کند. وزارت اقتصاد و بهداشت و کشاورزی برای آموزش‌وپرورش چه می‌کنند. در طول چهار سال تدوین سند ملی چهار وزیر تغییر کرده و دو سرپرست. این یعنی تشتت. هرکدام آمده‌اند و رفته‌اند، چیزی گفته‌اند و سند برای این آمده بود که وقتی این افراد تغییر می‌کنند، سند تغییر نکند ولی دقیقا برعکس این اتفاق افتاد. به محض اینکه آقای حاج‌بابایی آمد، دو سال زمان گذاشت تا سند ملی را به سند تحول تبدیل کند و بخش عمده سند ملی را حذف کرد. تا زمانی که این مشکلات مثل تغییرات مدیریتی و نگاه سیاسی، نگاه ایدئولوژیک و جناحی دیدن مسائل تغییر نکند، هیچ طرحی عملی نمی‌شود. تفاوت نگاه صاحب‌نظران به آموزش‌وپرورش بحث‌برانگیز است. باب گفت‌وگو در جامعه باز نشده است. همه گروه‌ها باید بدون وابستگی نظر خودشان را بگویند. با بخش‌نامه نمی‌شود سند را القا کرد و بدنه آموزش‌وپرورش هنوز نمی‌داند سند چیست. خانواده‌ها عموما همان نگاه رسمی را ندارند. خانواده‌ها را محکوم می‌کنیم که کنکورگرا شده‌اند اما چه کسی کنکور را گذاشته است! شب خوابیدند و صبح بیدار شدند، نظام آموزشی را تغییر دادند. فردا هرکس دیگری بیاید همین کار را می‌کند. مدیریت ما هنوز عشیره‌ای و طایفه‌ای است. یک گروه برای گروه خودش تصمیم می‌گیرد. نگاه‌ها ملی و مدنی نیست.

بسیاری از کارشناسان معتقدند سند تحول بنیادین، آرمان‌خواهانه است. نظر شما چیست؟

وقتی سند ملی آماده شد، دولت نهم روی کار آمده بود و در آن زمان جناب حاجی‌بابایی سند را تحویل گرفت و معتقد بود باید به این سند فلسفه اضافه شود. هدف این بود که ایدئولوژی خودشان را در سند القا کنند. فلسفه را وارد سند کردند و همین باعث شد ایدئولوژیک شود و بعد دولتی شد. در واقع وقتی فلسفه گذاشته شد، دائم در هر سطر می‌گوید با توجه به معیار اسلامی. درحالی‌که سند اسلامی است، چون افرادی که نویسنده سند هستند مسلمان‌اند و غیر مسلمان‌ها که این سند را ننوشته‌اند! پس نگاه اسلامی در سند ملی حاکم بود. از ایرادات سند تحول این است که ابتدا باید فلسفه می‌گفتند و سپس مبنای آن فلسفه زیرمجموعه را تحقیق می‌کردند ولی این‌گونه نشد. ابتدا زیرمجموعه را نوشتند و سپس فلسفه را گذاشتند و بعد گفتند چگونه اینها را به هم بچسبانند؟ پس یک گروه تلفیق تشکیل دادند و به هم چسباندند و به همین دلیل با هم نمی‌خواند. در قسمت مبانی نظری آمده آزاداندیشی، نقادی. خب این با کدام معیار باید سنجیده شود. در واقع زیرمجموعه با مجموعه بالا به‌صورت ارگانیک ارتباط ندارد. در مبانی نظری آمده انتظار می‌رود تربیت‌یافتگان نظامی تربیت رسمی و عمومی (این عمومی چرا کنار رسمی آمده!) دارای شایستگی‌هایی باشند که یکی از این موارد این است که می‌گوید انتخابگر و بعد می‌گوید ملتزم، خب دیگر در التزام انتخابی در کار نیست بلکه تعبد است.

چه باید کرد؟

باید نگاهمان به سند تغییر کند. درواقع این سند را فصل‌الخطاب همه چیز آموزش‌وپرورش ندانیم. این سند را حلال تمام مشکلات آموزش‌وپرورش در امروز و فردا ندانیم. تلاش کنیم با ورود منتقدانه آنها را عملیاتی کنیم. در واقع از کلمه قابل تحقق که در سند گفته، استفاده کنیم؛ هرچه را در سند قابلیت تحقق دارد، اجرائی کنیم؛ همین اسلامی هم می‌شود. وقتی عقل می‌گوید این روش خوب است؛ خب همین را بگیریم و کاربردی کنیم؛ چون همین را اسلام ما می‌گوید. در سند تحول «حیات طیبه» می‌گویند یعنی بهترین و پاک‌ترین چیزها در آن است خب بگردیم ببینیم در دنیا بهترینش چیست. همین‌ها را اجرا کنیم. دوم، دولت‌ها باید این عقلانیت را الان پیدا کنند که مدیرانشان دائم همه چیز را تغییر ندهند. سوم، نیاز به مشارکت مردمی وسیع است. باید معلم و خانواده وارد بحث آموزش‌وپرورش شود. چهارم، سعی کنیم مسائل را کلی و وسیع و بحث‌برانگیز نبینیم و بیشتر به دغدغه‌های ملموس فکر کنیم. در نهایت اینکه تلاش کنیم دیگر از این‌جور سندها ننویسیم چون جامعه ما نمی‌پذیرد. نه ما بلد هستیم بنویسیم و اینکه وقتی همه چیز نوشته و تمام شد، کسی نمی‌پذیرد. پیشنهاد من این است؛ اسناد سند ملی که از آغاز نوشته شده تا الان در اختیار مردم گذاشته شود و باب نقد را باز بگذارد. باید درباره این سند نقد و گفت‌وگو شود. قرار بود کل سند بعد از نوشتن ابتدا اعتباریابی شود و بعد به اجرا برسد که اصلا چنین اتفاقی نیفتاد. درواقع فرایند تدوین و طرح سند آن‌گونه که باید پیش می‌رفت، جلو نرفت.

جدول ۳۱۵۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - خواهر بزرگوار امام رضا(ع) که سالروز ولادتش روز دختران است- رسوم ۲ - مادر عرب - رفت و آمد - پرنده‌ای اهلی با سر و گردن برهنه ۳ - اضافه - شهری در شمالی‌ترین نقطه گیلان - رفوزه ۴ - میزبان المپیک۲۰۱۲ - خواروبارفروش - بیگانگان ۵ - گستردگی - سواره - علت‌ها ۶ - شهر قطاب - بر جوانان عیب نیست - مخلوطی از شن و ماسه و سیمان و آب ۷ - بیماری کم‌خونی - سنگ‌تراش - رزمگاه بوکس ۸ - ناشنوا - درختی با میوه تلخ در دوزخ - رودی در آلمان - ماه شاعرانه ۹ - فیلمی ساخته استیون اسپیلبرگ - پایان و آخر - گردنده ۱۰ - قطعی - از مقاطع مخروطی - شعور ۱۱ - فربه - غذای مجردی- رودخانه ارس ۱۲ - روزنامه چاپ کویت - از باشگاه‌های معتبر فوتبال فرانسه - ارباب ۱۳ - شهر بارگاه حضرت معصومه(س) - قاضی تحقیق - نور اندک ۱۴ - از فرقه‌های مسیحیت - ممنوع نیست - اشاره به دور ۱۵ - دارای اندازه قابل قبول - بازیگر مرد فیلم دشمن زن (در حال اکران).

عمودی:

۱ - آبستنی - کسی که برای به‌دست‌آوردن سود، مشکل کار مردم را حل می‌کند ۲ - تعهد - گریه با سوز و گداز - کربن خالص ۳ - برطرف‌کردن زنگ از فلز - عملی‌شدن - دمای غیرطبیعی بدن ۴ - میکروب کزاز - برتری - بیابان گرد ۵ - حرفش یکی است!- نارسانا - شهری در گیلان ۶ - شمردن - مخفف بدتر - ناگوار - بشقاب بزرگ ۷ - مهریه - مشقت- سگ فضانورد ۸ - ملاطی از خاکستر و آهک - کمربند فرضی زمین ۹ - دچار - بتون مسلح - همیشگی ۱۰ - بالای زمین - ماری بسیار سمی - خزنده گزنده - صدای پاره‌شدن کاغذ ۱۱ - خویشاوندی - آسان - قصر ۱۲ - درازگوش - جلادهنده کفش - تعلیم ۱۳ - پرهای انتهایی بدن پرندگان - در توضیح کلام به کار می‌رود - وسیله ۱۴ - رشته‌کوهی که آسیا را از اروپا جدا می‌کند - شماره - زبان عربی ۱۵ - شهرستانی در هرمزگان - قابل سکونت.

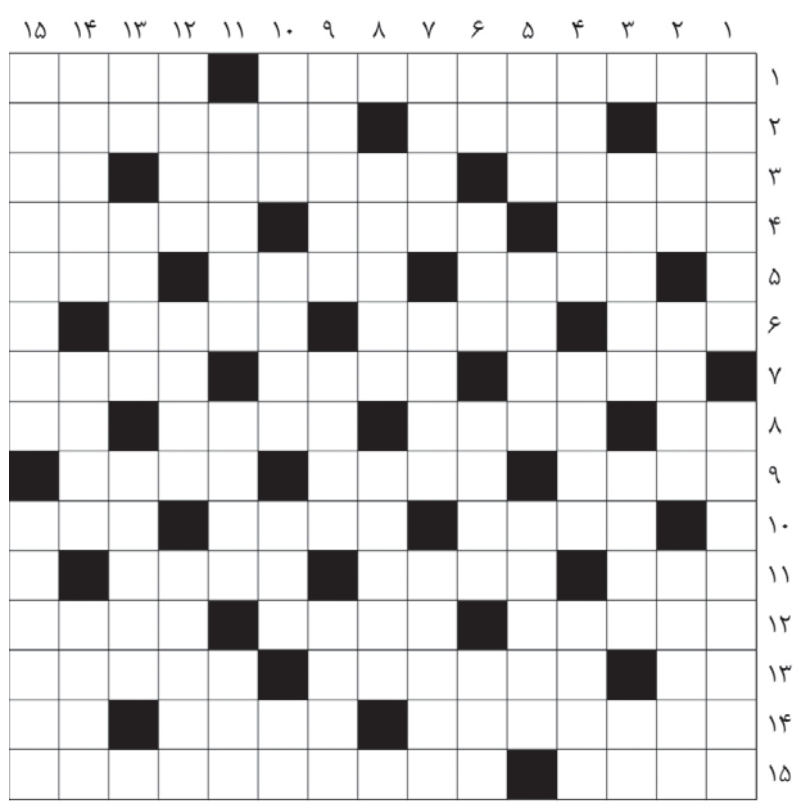

حل سودوکو سخت

۴	۷	۲	۶	۹	۵	۸	۳	۱
۱	۸	۵	۳	۲	۷	۴	۹	۶
۹	۶	۳	۱	۴	۸	۷	۵	۲
۷	۵	۸	۲	۳	۶	۱	۴	۹
۲	۴	۱	۷	۸	۹	۵	۶	۳
۶	۳	۹	۴	۵	۱	۲	۷	۸
۳	۹	۴	۵	۱	۲	۶	۸	۷
۵	۱	۶	۸	۷	۳	۹	۲	۴
۸	۲	۷	۹	۶	۴	۳	۱	۵

حل سودوکو ۲۱۴۸

۹	۴	۶	۷	۳	۸	۲	۱	۵
۳	۲	۸	۹	۱	۵	۷	۶	۴
۷	۵	۱	۶	۲	۴	۸	۹	۳
۱	۳	۵	۴	۶	۲	۹	۷	۸
۲	۷	۹	۵	۸	۱	۳	۴	۶
۸	۶	۴	۳	۹	۷	۵	۲	۱
۴	۹	۳	۲	۵	۶	۱	۸	۷
۵	۱	۷	۸	۴	۹	۶	۳	۲
۶	۸	۲	۱	۷	۳	۴	۵	۹

جدول ۳۱۵۲

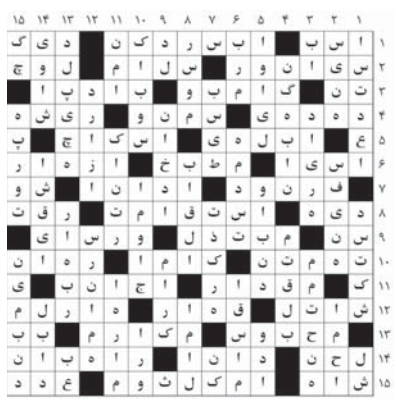

سودوکو سخت ۲۱۴۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۶		۸	۷		
	۷			۴	۵	۱		
۸				۷				۶
					۱	۹		۷
		۴		۸		۶		
۹		۷	۵					
۲				۹				۵
		۸	۲	۵			۳	
		۶	۸		۳			

سودوکو ساده ۲۱۴۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵				۳		۱		۶
	۴	۱	۹	۵		۲	۳	
			۷		۶			
۲		۸		۹	۱			
	۱		۶		۷		۴	
			۳			۷		۱
			۵		۹			
	۹	۲		۶	۳	۵	۱	
۸		۶		۴				۳